عکس: گل‌آرا سجادیان

داوود هرمیداس‌باوند در گفت‌وگو با «شرق»:

ترامپ با دیپلماسی تهاجمی در قبال ایران شروع می‌کند

حسین سخندان

آیا آمریکای ترامپ، ایران را به عنوان یک هدف قابل بحث، برخواهد گزید؟ شعارهایی که ترامپ علیه ایران سر داده، چقدر هنگام استقرار او به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده، اجرائی خواهد شد؟ اینها سؤال‌هایی است که همچنان مطرح است، به‌ویژه آنکه او در معرفی احتمالی ویران خود، گرایش خاصی را دنبال کرده است. دکتر «داوود هرمیداس‌باوند» دراین‌باره، به سؤال‌های «شرق» پاسخ داده است که در ادامه می‌آید.

دنیا از روز جمعه، با رئیس‌جمهور ترامپ مواجه است. او در نخستین نطق رسمی خود نیز وارد جزئیات موضوع سیاست خارجی و مسئله ایران نشد. به نظر شما این روند تا کجا ادامه خواهد یافت؟

بله، او به‌طور جزئی درباره سیاست خارجی خود سخن نگفت، اما همین که همه سفیران ایالات متحده را فراخوانده و احتمالا سفرای جدید را جایگزین آنها خواهد کرد، نشان می‌دهد او احتمالا به دنبال طرحی نو در این حوزه است. اولویت‌های ترامپ در دیپلماسی، خاورمیانه، ایران، ناتو و مسئله جلوگیری از ورود غیرقانونی مکزیکی‌ها اعلام شده است. درعین‌حال به نظر می‌رسد آمریکا به دنبال آن است که تمرکز خود را به مسائل داخلی معطوف کند و درهمین‌راستا سطح و دامنه تعهدات بین‌المللی خود را کاهش دهد. او همچنان با برخی اظهارات، طرف‌های خارجی را نگران می‌کند، به‌ویژه شریکان اروپایی ایالات متحده را. تعدیل تعهدات بین‌المللی آمریکا که ترامپ شعار آن را داده، با هدف بازگشت به آمریکا شکل گرفته است و او در نطق افتتاحیه خود نیز تلاش کرد روی آمریکا و مسائل داخلی آن مانور زیادی بدهد. هنوز درباره قضاوت زود است؛ اما احتمالا آمریکا در پی آن است که تعهدات خود به شرکای خارجی را کاهش دهد؛ برای نمونه ترامپ در دو ماه اخیر بارها این مسئله را طرح کرده است که چرا آمریکایی‌ها باید هزینه‌های دیگر کشورها را بپردازند و چرا این هزینه‌ها برای خود آمریکا مصرف نمی‌شود؟ در همین رابطه ترامپ به دنبال آن است که تعهدات این کشور در ناتو را کاهش دهد که با استقبال روسیه هم مواجه شده است. به نظر من این کاهش تعهدات نسبت به اتحادیه اروپا هم در پی گرفته می‌شود.

یعنی آمریکا وارد درگیری جدی در سیاست خارجی نخواهد شد؟

آنچه ترامپ اعلام کرده این است که دولت‌های گذشته آمریکا با ورود بی‌مورد و اشتباه در مسائلی که جنبه بین‌المللی دارد، هزینه‌های سرسام‌آور و سنگینی برای مردم این کشور ایجاد کرده‌اند. اینکه یک کشور، خدمات رایگان به برخی دیگر از کشورها ارائه دهد در شرایطی است که خود آمریکایی‌ها بیش از هرکس دیگری به آن خدمات نیازمند هستند. در روزهای آینده مشخص خواهد شد که آیا اروپا با توجه به دیدگاه‌های ترامپ و جمهوری‌خواهان به سمت ایجاد ساختارهای مستقل خواهد رفت یا ترامپ ایده‌های خود را تغییر خواهد داد؟ به نظر می‌رسد مردم هم بی‌علاقه نیستند آمریکا به سنت جمهوری‌خواهان یا همان بازگشت به آمریکا بازگردد.

این مسئله سابقه داشته است؟

بله، در جریان جنگ ویتنام اتفاق مشابهی رخ داده است؛ در آن مقطع نیز کنگره آمریکا تأیید کرد ایالات متحده نیروهای خود را وارد درگیری نکند. به نظر می‌سد این ایده باز هم در میان آمریکاییان طرفدارانی پیدا کرده است. البته در بیرون آمریکا نیز اعتراض‌ها به حضور نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه، در اطراف مرز ایران و حتی به عنوان نیروی حفاظتی در ژاپن شدت گرفته است. سران برخی از این کشورها بی‌تمایل نیستند از چتر امنیتی آمریکا بیرون بیایند و مستقل شوند. در دوران اوباما مشاهده کردیم ایالات متحده مانند گذشته روی خاورمیانه متمرکز نیست، احتمال دارد با آغاز فعالیت ترامپ، آمریکا حتی همین سطح از تعهدات خود را نیز کاهش دهد. دیدگاه اشخاص و گزینه‌های احتمالی اطراف دونالد ترامپ نشان می‌دهد این اتفاق رقم خواهد خورد. به‌هرحال او با تغییر در طرح موسوم به «اوباماکر» نشان داده از اولویت‌های خود عدول نمی‌کند. قسمتی از برنامه‌های اعلامی رئیس‌جمهور آمریکا نیز با جمهوری‌خواهان همسو است. درعین‌حال ترامپ در مسائل سیاست خارجی، نگاهی تجاری نیز دارد و انتخاب وزیر خارجه او، این مسئله را تأیید می‌کند؛ برای مثال در زمینه تجارت با چین نگاه ویژه‌ای دارد. او معتقد است این کشور باید پذیرای تغییراتی در تجارت با آمریکا باشد. درباره اولویت‌های سیاست خارجی او، همچنین باید بگویم بیش از نیمی از سخنانی که در زمان تبلیغات انتخاباتی وی بیان شد، فقط شعار بود و دال بر آن نیست آنچه او در مبارزات انتخاباتی بیان کرده، حتما عملی خواهد شد؛ اما باید گفت مخالفت با تصمیم‌های مربوط به تغییرات جوی و مخالفت با تجارت با چین به شکل موجود و ناتو از اولویت‌های او در سیاست خارجه خواهد بود.

برخی دیدگاه‌ها در ایران می‌گوید اگر چند ماه ابتدایی دوران ترامپ، مدیریت شود، بعد از آن مشکلی وجود نخواهد داشت. شما با این دیدگاه موفق هستید؟

البته آن‌طورکه شرایط پیش می‌رود و با توجه به شخصیتی که رئیس‌جمهور جدید آمریکا دارد، احتمالا او با شدت عمل بیشتر حتی در ظاهر، کار خود را آغاز می‌کند. ترامپ بارها مدعی شده اعتبار ایالات متحده خدشه‌دار شده و برای مثال در زمان مذاکرات هسته‌ای که منجر به توافق برجام شد، ایران برنده بازی بوده است. به‌همین‌دلیل او رویکردی تهاجمی در پیش خواهد گرفت؛ اما به نظر می‌رسد همچنان تمرکز اصلی بر مسائل داخلی آمریکا باشد، اگر چنین شود، حتما بعد از چند ماه، وعده‌هایی که در زمینه مسائل داخلی آمریکا داده، چنان او را درگیر می‌کند که ناچار باید از سیاست خارجی کمی فاصله بگیرد؛ اما اینکه توصیه شده ایران چند ماه اول را مدارا کند، موضوعی منطقی است. ما با فرد ناشناخته‌ای طرف هستیم. درعین‌حال حفظ برجام و تأکید بر سازوکارهای قانونی با نزدیکی به اتحادیه اروپا، حتما تا اندازه‌ای توازن برقرار خواهد کرد. اتحادیه اروپا یکپارچه طرفدار برجام است و این موقعیت ویژه‌ای برای ایران به شمار می‌رود. این نزدیکی موجب خواهد شد ترامپ نسبت به این تعهد ایستادگی نسبی بیشتری داشته باشد. حتی ایجاد نمایندگی اتحادیه اروپا در ایران نیز در این میان خالی از فایده نیست. بدبینی نسبت به این موضوع، چندان جایی ندارد چراکه موضوع امنیتی نیست. ما واقعا باید در صورت تنش‌آفرینی آمریکا، متکی به چین و روسیه نباشیم چون شرکای مطمئنی نیستند. البته گسترش هر نوع ارتباطات دیپلماتیک، مفید است و نگاه به شرق نیز در همین راستاست اما حرف من این است که ایران می‌تواند با ایجاد روابط پایدار با اروپا و با توجه به اینکه با توافق برجام، شرایط ایران مانند گذشته نیست، فضای بهتری برای خود ایجاد کند.

یعنی او به سمت مقابله با اروپا، چین و روسیه در زمینه برجام نخواهد رفت؟

برخی موضوعات دیپلماسی، دوجانبه نیستند و پیمان‌هایی چندجانبه محسوب می‌شوند. برجام یکی از نمونه‌هایی است که از قضا به عنوان الگو در حل مناقشات جهانی مطرح می‌شود. در به‌ثمررسیدن برجام، شش دولت شاخص دنیا ایفای نقش کرده‌اند. پنج امضاکننده برجام، عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل هستند و این توافق‌نامه با حضور ایران و آلمان، هفت دولتی از جهان را کنار هم نشانده تا برای حفظ منافع شخصی و جهانی، برجام را بپذیرند. باید گفت برجام توافقی دوجانبه نبوده و اگر ترامپ بخواهد آن را نقض کند، بدون شک چین، روسیه و اتحادیه اروپا با او همراهی نخواهند کرد. قراردادهایی که براساس حقوق بین‌الملل بسته می‌شوند، شامل کنوانسیون جانشینی دولت‌ها می‌شوند و براساس این کنوانسیون هر دولتی متعهد به تصمیمات دولت پیشین است، بنابراین اگر قرار باشد هر دولتی قراردادی را یک‌جانبه برهم زند، دیگر حقوق بین‌المللی معنا ندارد. تبلیغات انتخاباتی ترامپ تنها شعارهای انتخاباتی بوده است و به احتمال زیاد این شعارها تعدیل خواهد شد.

> **اینکه توصیه شده ایران چند ماه اول را مدارا کند موضوعی منطقی است. ما با فرد ناشناخته‌ای طرف هستیم. درعین‌حال حفظ برجام و تأکید بر سازوکارهای قانونی با نزدیکی به اتحادیه اروپا، حتما تا اندازه‌ای توازن برقرار خواهد کرد. اتحادیه اروپا یکپارچه طرفدار برجام است و این موقعیت ویژه‌ای برای ایران به شمار می‌رود**

ممکن است ترامپ اولویت خود در فضای داخلی آمریکا را به نقطه مطمئنی برساند و آن‌گاه به مسائل سیاست خارجی و مثلا مسئله ایران ورود کند؟

ببینید ساختار ایالات متحده به گونه‌ای است که مسائل داخلی و خارجی، توأمان مورد توجه قرار می‌گیرد. نکاتی که من عرض کردم، به این مفهوم نبود که او پرداختن به شعارهای انتخاباتی در زمینه مسائل درونی ایالات متحده را به تمرکز بر دیپلماسی ترجیح می‌دهد. مسئله این است که ترامپ در مسائل داخلی تصمیم به کاهش مالیات‌ها گرفته است زیرا او اعتقاد دارد ثروت کمپانی‌هایی که برای فرار از مالیات به خارج آمریکا رفته‌اند را می‌توان از طریق کاهش مالیات‌ها بازگرداند و کاهش مالیات‌ها باعث خواهد شد کمپانی‌ها برای بازگشت به آمریکا ترغیب شوند. باید گفت این برنامه جمهوری‌خواهان نیز هست. اولین اولویت ترامپ در برنامه‌های داخلی‌اش کاهش مالیات و سپس تجدیدنظر درباره بیمه‌های اجتماعی است و در سیاست خارجه نیز او روابط با چین، ناتو و خاورمیانه و همچنین بهبود روابط با روسیه را در اولویت‌هایش مدنظر قرار خواهد داد.

احتمال تعدیل بیشتر ترامپ وجود دارد؟

به‌هرحال این اتفاقی طبیعی حتی در ایران است. برخی افراد که مواضع تندی دارند، وقتی به مسئولیت می‌رسند، به شدت تغییر می‌کنند. آنچه واضح است این است که در عالم واقع، با مسائلی مواجه هستیم که با میتینگ‌ها و شوهای انتخاباتی، تفاوت ماهوی دارند. در ایالات متحده اگرچه رئیس‌جمهور اختیار کامل دارد اما حتما باید نظرات کنگره، سنا، شورای امنیت ملی، CIA، پنتاگون و لابی‌های مختلف را جلب کند. آزادی عمل رئیس‌جمهور، آزادی عمل شخصی نیست. ترامپ حتما نمی‌تواند به همه آن شعارهایی که در زمان انتخابات سر داده بود، عمل کند. باید بگویم ۸۰ درصد مسائلی که مطرح شد برای حمله به کمپین دموکرات‌ها و شعارهای صرفا انتخاباتی بود.

روابط نزدیک احتمالی آمریکا و روسیه چقدر روی تحولات منطقه مؤثر است؟

روابط آمریکا و روسیه در دوران اوباما، رو به تنش جدی رفت که آخرین آن، اخراج دیپلمات‌های روس از ایالات متحده بود. مذاکرات اخیر کری و لاوروف هم صرفا محدود به مسئله سوریه بود. قبلا در یادداشتی در «شرق» تأکید کردم اگر آمریکا و روسیه بتوانند درباره سرنوشت سوریه توافق کنند، این امر می‌تواند به عرصه‌های دیگر هم تعمیم یابد. البته رویکرد بسیاری از دولت‌ها درباره بشار اسد تغییر کرده است و حتی برخی کشورهای عربی منطقه هم شامل این مسئله می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران نیز در سوریه، هم بر موضع مذاکره با اپوزیسیون قانونی و هم جنگ با مخالفان اسد متمرکز است. حتی رژیم‌هایی که از مخالفان رئیس‌جمهور سوریه حمایت می‌کردند، امروز معتقدند در شرایط موجود باید بشار اسد باشد تا ائتلاف موردنظر انجام شود و انتخابات آزاد صورت گیرد؛ و پروسه کناررفتن اسد، تدریجی باشد. آنها می‌دانند اگر اسد سقوط کند، وضعیت خاورمیانه و حتی اروپا و آمریکا چه خواهد شد. داعش بدون مزاحم، سوریه را در اختیار می‌گیرد. بنابراین همه به این نتیجه رسیده‌اند که در وضع موجود مذاکرات دیپلماتیکی که آمریکا و روسیه در پیش گرفته‌اند، باید به نتیجه‌ای برسد.

و این شرایط، برای ایران چه وضعیتی پدید می‌آورد؟

دونالد ترامپ درباره روسیه با خوش‌بینی صحبت کرده است. ایران هم در مسئله سوریه، رویکردی مانند روسیه دارد و اگر توافقی حاصل شود، می‌تواند تأثیر مثبتی در روابط ایران و آمریکا داشته باشد. از آنجا که فعلا اکثر نظرات ایران و روسیه در سیاست خارجی به هم نزدیک است، امکان نزدیک‌شدن دو کشور وجود دارد. درباره تأثیر پوتین بر آرای ترامپ نیز باید بگویم این مسئله متقابل است.

اخیرا یک نظرسنجی نشان داد بالای ۶۰ درصد مردم آمریکا از برجام حمایت می‌کنند. افکار عمومی چقدر روی مواضع ترامپ تأثیرگذار است؟ آیا این حمایت در کنار رأی‌دادن مردم آمریکا به ترامپ، متناقض نیست؟

در ایالات متحده وقتی رئیس‌جمهور در آن مکانیسم پیچیده انتخاب می‌شود، معمولا راهی برای مخالفت با وی نیست و باید به دنبال سازگاری با او بود همان‌طور که اکنون دموکرات‌ها چنین کرده‌اند. ترامپ نیز ناگزیر خواهد بود با کنگره و سایر نهادها ارتباط سازنده داشته باشد زیرا او هر چه باشد، به عنوان جمهوری‌خواه وارد کاخ سفید شده است بنابراین هر دو طرف باید مواضع پیشین خود را تعدیل کنند تا به یک خط مشی مشترک دست یابند. شعارهایی که ترامپ در انتخابات داد، شعارهای ویژه‌ای بود. به هر حال مردم از هر شعاری که بوی تغییر داشته باشد، استقبال می‌کنند. ترامپ انگشتش را روی نابسامانی‌های موجود در جامعه گذاشت و به‌خصوص مسئله عدم توسعه‌ای که باید اتفاق می‌افتاد و بی‌کاری‌های موجود در آمریکا را برجسته کرد. بنابراین مردم به‌خصوص طبقات پایین از نظراتش استقبال کردند. همچنین او قول داده تغییرات عظیمی را ایجاد کند. این تناقضی با حمایت آمریکایی‌ها از برجام ندارد. مردم آمریکا روی مسائل داخلی خود حساسیت بیشتری پیدا کرده‌اند تا موضوعات سیاست خارجی. در واقع اگر بنا بود سیاست خارجی موفق شود، حتما آرا به سمت هیلاری کلینتون می‌رفت.

به نظر شما ممکن است جمهوری‌خواهان مواضع خود را نسبت به ترامپ تغییر دهند و او ناگزیر، به سمت میانه‌روی حرکت کند؟

رئیس‌جمهور امروز ایالات متحده، نماینده جمهوری‌خواهان است و درست است که این حزب نظر مثبتی به او نداشته است ولی در هر حال کالج‌های انتخاباتی به او رأی داده‌اند. هم جمهوری‌خواهان و هم ترامپ مجبور به تعدیل مواضع خود نسبت به هم هستند.

گزینه‌های معرفی‌شده او برای پست‌های مرتبط با دیپلماسی، ضد ایران هستند؟

این مسئله تا هنگام استقرار آنان در سمت‌های خود، نامشخص است. همان‌طور که دیدیم این افراد در جلساتی که در سنا حاضر شده‌اند یا در برخی موضع‌گیری‌ها، مسائل متناقضی درباره ایران بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد آنان همچنان در نوعی سردرگمی درباره سیاست خارجی ترامپ به ویژه در قبال ایران به سر می‌برند.

ادامه از صفحه ۱۰

گزارش از طراوت آیین

او افزود: دلیل تفاوت اساطیر ما با سرزمین‌های دیگر تأثیر اقلیم و بومیان سرزمین ما بر اسطوره‌هاست. او با رمزگشایی از اسطوره‌های کهن ایران اثرگذاری فردوسی را بر اسطوره‌ها بسیار مهم دانست و گفت: ما روایت‌های خاصی در اسطوره‌هایمان داریم. اسطوره‌های ما زیربنای دینی دارند. برای ماندگارشدن اسطوره به ایمان نیاز است که آن را حفظ کند. داستان‌های عاشقانه اساطیر ما که در داستان‌های مردمی روایت می‌شوند، جزئی از تاریخ شفاهی ما هستند که زبان‌به‌زبان نقل شده‌اند. این روایت‌های شفاهی از همین روش نقل زبان‌به‌زبان ماندگار شده‌اند. در ادبیات مردمی ما، از خدایان کارهای بد سر نمی‌زند. اگر کار بدی انجام می‌شود، به وسیله اهریمن و دیوهاست. این پاکیزگی و دوری از اشتباه، شامل ایزدبانوان ما نیز می‌شود. تجسمی که از خدایان و ایزدبانوان برای ما ترسیم می‌شود موجوداتی پاک هستند که از آنان خطا و اشتباه سر نمی‌زند. درادامه ژاله آموزگار به توصیف ایزدبانوان پرداخت و گفت: هر ایزدبانویی مشغول به انجام وظیفه و کار خود بوده و وظیفه‌ای مربوط به خود داشته است. ایزدبانوان نمادی از خرد، دانش، بردباری، عدالت و راستی و انتخاب‌های درست بوده‌اند. و آنچه بسیار بر آن تأکید شده، قدرت و توان آنان است. درعین‌حال، شما در هیچ ایزدبانویی ضعف و شکنندگی نمی‌بینید. درباره ویژگی‌های ظاهری آنان توصیفاتی که شده، چنین است: قوی، بلندبالا، پیش‌رونده، زیبا، با ویژگی‌های کاملا زنانه، لباس‌های مجلل و داشتن ارائه‌های چشمگیر در کنار صفات اخلاقی بی‌تکبری، بردباری و توانمندی برایشان برشمرده شده است. در این ایزدبانوان ضعف راه ندارد و تغییر شخصیت نمی‌دهند. ایزدبانوان ما تولیدکننده هستند و به دوره‌ای تعلق دارند که در جامعه قدرتمند و منشأ اثرند و در اقتصاد جامعه اثر می‌گذارند. سپندارمزد یکی از این بانوان است. او فرشته و ایزدبانویی است که نماد مهر و بردباری و تواضع است. او فرشته موکل بر زمین پاک و بانوان درستکار است. او موظف است زمین را پاک و خرم و بارور نگاه دارد. به همه رمه‌ها مرغزار می‌دهد و از زاده‌شدن فرزندان پارسا شادمان می‌شود. آموزگار سپس به تشریح آناهیتا، ایزدبانوی آب، پرداخت و گفت: آب در همه‌جا شریان حیات و زندگی است، سپردن امور مربوط به آب به ایزدبانوی آب اهمیت بانوان را در آن عصر گوشزد می‌کند.

آناهیتا

فرشته نگهبان چشمه‌ها و باران، نماد باروری و عشق و دوستی است. در باور ایرانیان باستان آناهیتا ایزدبانویی است که امور مربوط به زن و زایش و آبادانی و قدرت را اداره می‌کرده و در توصیف آن چنین نوشته‌اند: دوشیزه‌ای جوان، درخشان، زیبا، بلندبالا با اندامی برازنده، به گوهرها آراسته و با تاجی صد ستاره هشت‌گوش بر آن. آناهیتا با این ویژگی‌های چشمگیر در گردونه‌ای سوار می‌شود و همه فرمانروایان از او یاری می‌خواهند. سپس ژاله آموزگار به توصیف شخصیت زنان در شاهنامه پرداخت و گفت: در شاهنامه حکیم فردوسی نیز، شما زن ضعیف نمی‌بینید. همه زنان شاهنامه خوب نیستند و همین تقابل خوب و بد اعجاز شاهنامه است، اما زن شاهنامه ضعیف نیست. و به‌نوعی هدایت امور به دست زنان است. زنان شاهنامه در عشق و مهرورزی منفعل نیستند که نمونه بارز آن رودابه است. او منتظر مرد نمی‌شود و آنچه خودش می‌خواهد را دنبال می‌کند. در قیاس اسطوره‌ها؛ مثلا قیاس زئوس و هرا با زال و رودابه آنچه در داستان زال و رودابه ما را به فکر می‌اندازد، طلب و مهر دوطرفه بین این دو است. برنامه‌ریزی برای دیدار از سمت دو طرف است و فردوسی احوال عاشقانه این دو را به زبانی گیرا و عفیف بیان می‌کند. ترسیم صحنه گیسوان رودابه که آن را به پیچ‌وتابی شبیه کرده، از همین صحنه‌های شگفت‌انگیز شاهنامه است و نیز در ویس و رامین و در تمام معشوقه‌های بهرام، شما ردپای زور نمی‌بینید.

گذر

پلاسکو و درس‌هایی برای آینده

محمدرضا شمشیرگر*

ساختمان پلاسکو، با قدمت ۵۶ساله، صبح روز ۳۰ دی ۱۳۹۵ پس از حدود چهار ساعت از آغاز آتش‌سوزی، به‌صورت کامل فرو ریخت و موجب کشته‌شدن تعدادی از آتش‌نشانان و احتمالا کسبه حاضر در ساختمان شد. آنچه مشخص است، اینکه نه جان عزیزان ازدست‌رفته بازمی‌گردد و نه میلیاردها تومان سرمایه مالکان کسب‌وکارها احیا خواهد شد و نشانه‌گرفتن انگشت اتهام به سمت این و آن، دردی را دوا نخواهد کرد؛ اما حادثه ساختمان پلاسکو به‌عنوان نمونه کوچکی از یک بحران شهری، می‌تواند درس‌های زیادی برای ما داشته باشد که با عمل به آنها از همین امروز، می‌توانیم خسارات آینده را کاهش دهیم.

یک- تقویت سیستم ایمنی داخل ساختمان‌ها

اولین نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که احتمال وقوع حادثه آتش‌سوزی با وجود انواع تمهیدات و دستورالعمل‌ها هرگز به صفر نخواهد رسید، چراکه «خطای انسانی» همواره وجود خواهد داشت و در کنار آن، در مواردی همچون ساختمان پلاسکو که زیرساخت‌های آن فرسوده و خطرآفرین محسوب می‌شوند و هزاران ساختمان مشابه کوچک و بزرگ از این‌دست در شهرهای ما وجود دارد، «عامل فنی» نیز به «خطای انسانی» افزوده خواهد شد. با توجه به آنچه به‌عنوان یک واقعیت باید آن را پذیرفت، ایمن‌سازی ساختمان از طریق تجهیز به «سیستم اطفای حریق داخلی» یا سایر سیستم‌های ایمنی داخلی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد؛ چراکه در موارد آتش‌سوزی مشابه، با وجود سرعت عمل فوق‌العاده نیروهای آتش‌نشان و امدادی، با توجه به مؤلفه‌های گوناگونی همچون موقعیت مکانی ساختمان، ارتفاع محل درگیر آتش، حجم مواد قابل اشتعال، امکان فروریختن ساختمان و ...، اطفای بیرونی نمی‌تواند چندان کارساز باشد و بهتر است به‌مثابه اصل «پیشگیری بهتر از درمان»، حال که نمی‌توان از بروز حوادث این‌چنینی جلوگیری کرد، ایمن‌سازی درونی ساختمان‌ها به جهت جلوگیری از گسترش آسیب این حوادث را مدنظر قرار داد. نکته مهم‌تر آنکه این ایمن‌سازی، هم برای ساختمان‌هایی که قرار است ساخته شوند و هم به‌خصوص ساختمان‌های قدیمی که به علت فرسودگی زیرساخت‌ها زمینه بیشتری برای آسیب‌دیدن دارند، ضروری است.

دو- تقویت سیستم امدادرسانی شهری

حادثه ساختمان پلاسکو، درگیرشدن صرفا «یک پلاک شهرداری» بود. اگرچه این ساختمان، دارای طبقات و واحدهای تجاری و تولیدی قابل‌توجهی بود؛ اما بنا به گفته مسئولان ذی‌ربط، یک‌سوم نیروهای اورژانس پایتخت در محل حادثه ساختمان پلاسکو حضور پیدا کردند و آتش‌نشانانی از قم، کرج و ملارد برای کمک به آواربرداری ساختمان پلاسکو در محل حضور یافتند. حال اگر این حادثه به دلایل مختلف خطای انسانی، مسائل فنی و بلایای طبیعی هم‌زمان در چند نقطه دیگر شهر رخ می‌داد، قطعا با عبور از بحران، تبدیل به فاجعه می‌شد. ازاین‌رو، باید به گفته وزیر محترم کشور که با حضور در محل حادثه ساختمان پلاسکو اظهار کرده‌اند از نظر نیرو و تجهیزات هیچ‌گونه مشکلی وجود ندارد، به دیده تردید نگریست. البته ممکن است برای پوشش‌دادن مورد ساختمان پلاسکو با توجه به تجمیع بخش قابل‌توجهی از نیروها و امکانات، کمبودی وجود نداشته باشد، اما با درنظرگرفتن احتمال بروز سوانحی در سطح گسترده‌تر، قطعا نیاز به تقویت قابل‌توجه سیستم امدادرسانی شهری خواهیم داشت.

سه- استانداردسازی فرماندهی بحران

آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو حدود ساعت هشت صبح آغاز شد و حدود ساعت ۱۱:۳۰ ساختمان فروریخت. از دیدگاه مدیریتی، بحران ساعت هشت صبح آغاز شده، اما اولین مدیر مربوطه اندکی پس از ساعت ۱۲ در محل حادثه حاضر شده و پس از آن، شاهد حضور مقامات دیگر اجرائی و سیاسی و تشکیل کمیته بحران در محل حادثه بودیم. سؤال اینجاست آیا حضور این افراد در جهت تسریع امدادرسانی، کمک به حادثه‌دیدگان و مدیریت صحنه بحران لازم بوده؟ اگر پاسخ مثبت است، چرا این حضور این‌قدر دیرهنگام صورت گرفته و درصورتی‌که لازم نبوده، حضور چنین افرادی که قطعا نیاز به تشریفات حفاظتی و... هم در کنار آنها وجود دارد و در شرایط امدادرسانی، امکان اختلال را به وجود می‌آورد، چرا صورت گرفته است؟ با توجه به اینکه شرایط بحران به‌عنوان موقعیت غیرعادی مطرح می‌شود و در چنین شرایطی شاید امکان دسترسی به مقامات ارشد تصمیم‌گیر وجود نداشته باشد، لازم است استانداردهایی در این زمینه تدوین شده و سیستم و سازوکار مشخص و تفویض اختیار به رده‌های تصمیم‌گیر متخصص صورت بگیرد.

چهار- روان‌سازی مسیرهای امدادی

شاهد حضور هزاران نفر از شهروندانی بودیم که متأسفانه به دلایل مختلف ازجمله عکاسی و فیلم‌برداری یا کنجکاوی درباره حادثه پیش‌آمده، در محل مذکور تجمع کرده بودند و کار نیروهای امدادی با سختی دوچندان انجام می‌شد. البته به‌صورت روزانه و در پی وقوع هر حادثه کوچک یا بزرگی در سطح شهر مانند تصادف اتومبیل‌ها، درگیری افراد با یکدیگر و... شاهد این تجمع‌ها هستیم و به نظر می‌رسد باید تدبیری جدی درباره فرهنگ‌سازی عمومی دراین‌باره داشت؛ اما ازآنجاکه کار فرهنگی دراین‌باره نیاز به زمانی طولانی دارد، به نظر می‌رسد حضور جدی و پرتعداد نیروهای نظامی و انتظامی در موارد مشابه هم‌زمان با نیروهای امدادی و آتش‌نشان برای بازگشایی مسیرهای امدادی و حفظ نظم و امنیت منطقه درگیر حادثه، ضروری باشد.

پنج- خسارت مالی و نبود بیمه

به گفته رئیس بیمه ایران، تنها ۱۰۰ واحد مستقر در این ساختمان تحت پوشش بیمه آتش‌سوزی بوده‌اند. صرف‌نظر از اینکه از دیدگاه کلان، درصورتی‌که اگر حدود یک‌هزارم این مبلغ خسارت صرف تجهیز و ایمن‌سازی ساختمان می‌شد، شاهد بروز چنین فاجعه‌ای و ازدست‌رفتن سرمایه‌های ملی کشور نبودیم؛ درصورتی‌که دیگر مالکان کسب‌وکارها با هزینه اندکی نسبت به بیمه واحدهای تجاری خود اقدام می‌کردند، شوک حاصل از این حادثه برای آنان و آینده کاری‌شان بسیار کمتر می‌شد. متأسفانه فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه در عمده موارد به‌گونه‌ای است که تازمانی‌که بیمه «اجباری» نباشد، افراد چندانی تحت پوشش آن قرار نمی‌گیرند.

شش- مدیریت روانی جامعه از طریق رسانه‌ها

نیاز است تا با هدایت پتانسیل اینترنت، از بروز پیامدهای منفی مانند گسترش شایعات و شوک روانی به جامعه ناشی از مشاهده صحنه‌های دلخراش جلوگیری کرد و از این ابزار برای خبررسانی مؤثر در راستای کاهش نگرانی (مانند اطلاع‌رسانی درباره اسامی مصدومان و مراکز درمانی مربوطه)، افزایش مشارکت‌های ضروری عمومی (مانند نیاز به اهدای خون یا...) و کمک به مدیریت صحنه درگیر بحران (مانند اطلاع‌رسانی درباره مسیرهای مسدودشده و جایگزین) اقدام کرد.

*دانشجوی دکترای مدیریت دولتی (خط‌مشی‌گذاری عمومی) دانشگاه تهران